

زیخرا

دوفصلنامه علمی پژوهشی فلسفه اسلامی
سال نهم / شماره اول / پیاپی ۱۶ / بهار - تابستان ۱۴۰۲

جهان‌بینی و مبانی فلسفی حاکم

بر عناوین کتاب‌های دانشمندان اسلامی^۱

احسان کردی اردکانی^۲

احمد شه‌گلی^۳

چکیده

عنوان هر کتاب ماهیت و محتوای آن را بیان می‌کند. با مراجعه به کتاب‌های دانشمندان اسلامی درمی‌یابیم که عناوین کتاب‌ها غالباً دربردارنده جهان‌بینی مؤلفان آن‌هاست. در این پژوهش سعی شده است با توجه به عناوین کتب دوره اسلامی، دیدگاه و جهان‌بینی مؤلفان آن‌ها استخراج و تبیین گردد. امکان کشف واقعیات جهان، اعتقاد به غیب، اسرارآمیز بودن جهان، نیاز انسان به ارشاد، نیاز به مصباح در هدایت، مراتب مخاطبان در فهم حقیقت، نور بودن علم، تبصره بودن علم، عین بودن علم و تذکری بودن علم مهم‌ترین کلیدواژه‌هایی است که می‌توان از عناوین این کتاب‌ها استخراج کرد.

کلیدواژه‌ها: جهان‌بینی، مبانی فلسفی، مکتوبات اسلامی، دانشمندان اسلامی، علم‌شناسی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۹/۱۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۱/۲۷

۲. استادیار گروه معارف، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه اردکان؛ e.kordi@ardakan.ac.ir

۳. استادیار گروه فلسفه مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران؛ shahgoli@irip.ac.ir

۱. مقدمه

عنوان کتاب نشان‌دهنده جهان‌بینی مؤلف آن است. عالمان اسلامی نیز در عناوین کتاب‌هایشان به دنبال نشان دادن اندیشه‌ها، موضوعات، غایات علم و مبانی اعتقادی و جهان‌بینی خودند. این مسئله در مورد علوم سنتی مصادیق بسیاری دارد؛ چون دانشمندان اسلامی از یک طرف نگاه غایی به علوم داشتند و از سویی دیگر علوم را در یک پیوستگی منظم و استوار تعریف می‌کردند و جایگاه هر علم را در یک نظام کلی با هدف مشخص تعیین می‌کردند. همان‌گونه که صورت یک انسان نمایانگر اصل شخصیت اوست و نه اعضای بدن او، عنوان یک کتاب نیز وجه، شناسنامه، مشخصه، عصاره و نمایانگر هویت آن است. کتاب بی‌عنوان مانند بدن بی‌سر است که مجهول و نامعلوم است. موشکافی در عناوین می‌تواند ما را در فهم نگاه قدما به علم و ظهور پیش‌فرض‌های ارزشی و جهان‌بینی آن‌ها یاری کند.

برای شناخت و فهم تفکر اندیشمندان دو راه کلی وجود دارد: مراجعه به محتوای کتب و آثار آن‌ها؛ توجه به عناوین آثار آن‌ها. آنچه تاکنون غالباً در شناخت تفکرات اندیشمندان به آن توجه شده، مراجعه به محتوای آثار آن‌هاست. نگارنده در این مقاله روش دوم را دنبال کرده؛ یعنی کوشیده است با مراجعه به عناوین کتب اندیشمندان جهان اسلام، جهان‌بینی حاکم بر تفکر آن‌ها را استخراج کند. با توجه به اینکه بررسی همه کتاب‌ها و اعمال این شیوه مجال بسیار گسترده‌ای می‌طلبد، در این مقاله گزیده‌ای از کتاب‌ها بررسی شده‌اند.

۲. شیوه‌های نام‌گذاری مکتوبات اسلامی

نام‌گذاری مکتوبات دوره اسلامی شیوه‌های مخصوص به خود را دارد. با تأمل در عناوین مکتوبات اندیشمندان اسلامی می‌توان این شیوه‌ها را استخراج کرد. البته امکان دارد عناوینی یافت شود که از این روش‌ها پیروی نکنند.

۲-۱. براساس محتوا

برخی عناوین کتاب‌ها به صورت مستقیم به محتوای کلی مطالب کتاب اشاره می‌کنند که در این موارد می‌توان پی برد که نویسنده به دنبال مطرح کردن چه مسئله‌ای است؛ به عنوان مثال، اثبات النبوات، تنزیه الانبیاء، اعجاز القرآن، انقاذ البشر من الجبر والقدر، من لایحضره الطیب، کامل الصناعة الطیبه، من لایحضره الفقیه، و المکاسب عناوینی‌اند که بر محتوای کتاب تصریح دارند و خواننده از محتوای کتاب آگاه می‌شود. در مواردی نیز عناوین استعاری و کنایی از جهات مختلف به محتوا و رویکرد کتاب اشاره دارند؛ مثلاً الحکمة المتعالیة فی الاسفار العقلیة الاربعة عنوانی است که بر اساس هدف و رویکرد نویسنده کتاب

انتخاب شده است. ملاصدرا این کتاب را بر اساس سفرهای چهارگانه عرفانی که عبارت‌اند از سفر از خلق به سوی حق، سفر در حق با حق، سفر از حق به سوی خلق با حق، سفر در خلق با حق تنظیم کرده است. همچنین کتاب حکمة الاشراق شهاب‌الدین سهروردی بیانگر رویکرد اشراقی او در فلسفه است. عناوینی نیز هستند که هیچ ارتباطی با محتوا ندارند یا با امر دیگری مناسبت دارند؛ مثلاً رساله اضحویه ابن سینا به مناسبت عید قربان نوشته شده است (ابن سینا، ۱۳۶۴: ۱۳)، اما محتوای آن هیچ ارتباطی با عید قربان ندارد.

۲-۲. ترکیبی

عناوین کتاب‌های دوره اسلامی غالباً طولانی و مرکب از صفت و موصوف یا مضاف و مضاف‌الیه است. در این عناوین ابتدا یک صفت و سپس اصل موضوع ذکر می‌شود؛ به‌عنوان مثال الشواهد الربوبية فی المناهج السلوکیه، اللمعات المشرقية فی الفنون المنطقية، رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقایق الربانیه، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات در فلسفه و منطق، استقصاء النظر فی القضاء والقدر، الإصباح علی المصباح فی معرفة الملك الفتحاح، در علم کلام، الإعلام بما اتفقت علیه الإمامية من الأحكام، المراسم العلویة والأحكام النبویة، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام، اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية در فقه از جمله عناوین دوبخشی‌اند. غالباً بخش دوم در مورد موضوعی است که مصنف قصد بحث آن را در کتاب داشته است؛ مانند استقصاء النظر فی القضاء والقدر که نشان می‌دهد مصنف می‌خواهد درباره قضا و قدر بحث کند. همچنین کتاب غایة المرام و حجة الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص والعام که عنوان نشان‌دهنده آن است که بحث در مورد تعیین امامت و اختلاف‌ها در این زمینه است.

۲-۳. با اسرار

برخی از عناوین کتاب‌های دوره اسلامی به‌خصوص کتب فلسفی و عرفانی به گونه‌ای‌اند که نشان می‌دهند این کتب‌ها حاوی اسرار، کشف حقیقت، رسیدن به حق و دستگیری از دیگران‌اند. از منظر اندیشمندان اسلامی عالم دارای اسرار و رازهایی است که انسان‌ها می‌توانند با الهام از عقل، تجربه، و آموزه‌های انبیا و انسان‌های کامل آن‌ها را دریابند. از سوی دیگر کشف رازها و حقایق هستی، همراه با دستگیری انسان‌های مستعد بوده است، به گونه‌ای که آن‌ها نیز به حقایق و اسرار عالم آگاه شوند. کتاب‌های السّر المستتر، اسرار الآیات، کاشف الاسرار، اسرار الحکم، النجاة من الغرق فی بحر الضلالات، بیان الحق بضممان الصدق، الصراط المستقیم إلى مستحقى التقدیم، کلمات مکتونه من علوم أهل الحکمة والمعرفة، النجاة فی القيامة فی تحقیق أمر الإمامة از این جمله‌اند.

نگاه اسرارآمیز به عالم، صرفاً مخصوص کتاب‌های فلسفی و عرفانی نیست، بلکه کتاب‌های طبی و فقهی نیز در بردارنده این عناوین‌اند؛ مانند حقائق اسرار الطب، کشف الرموز فی بیان الاعشاب، رموز اعظم، در طب و اسرار الصلوة، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی در فقه. توجه اسرارآمیز به عالم نشان‌دهنده آن است که دیدگاه اندیشمندان اسلامی به عالم صرفاً امری طبیعی و عادی و عرفی نیست، بلکه عالم ظاهر و باطنی دارد. حتی عالم طبیعت که ظاهر و مشهود همگان است دارای باطن و اسراری است که از طریق ظواهر نمی‌توان بدان پی برد.

۲-۴. دینی و اشراقی

برخی از عناوین کتاب‌ها با الفاظ دینی، اشراقی و عرفانی همراه است و این موضوع گاه در کتاب‌های طبی و طبیعی نیز مشاهده می‌شود؛ به‌عنوان مثال حکمة الاشراق، منطق المشرفین، رسائل الشجرة الالهية فی علوم الحقایق الربانية، المباحث المشرقية فی علم الالهیات والطبیعیات، نبراس الضیاء و تسواء السواء فی شرح باب البداء و اثبات جدوی الدعاء، مفاتیح الغیب، در فلسفه، إشراق اللاهوت فی نقد شرح الیاقوت، أنوار العرفان، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، أنیس الموحدین، شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، اللمعات العرشية در علم کلام والنور الساطع فی الفقه النافع، کنز العرفان فی فقه القرآن، الأقطاب الفقهية علی مذهب الإمامية، مشرق الشمسین و إکسیر السعادتین، مشارق الشموس فی شرح الدروس، سفینة النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات و مقامات السالکین در فقه، و عین الحیاة، تحفة المؤمنین، اکسیر اعظم، مفرح القلوب و کنز الحکماء در طب.

این رویکرد بیانگر آن است که در جهان اسلام پیوند علم و دین عمیق است و این دو هیچ تعارضی با هم ندارند، بلکه دو بال کشف حقیقت‌اند. به دلیل درهم‌تنیدگی علم و دین عناوین نیز چنین‌اند. اگر به انسان امروزی برخی عناوین مانند تحفة المومنین و رموز اعظم گفته شود هر موضوعی به ذهن او خطور می‌کند، به غیر از مسائل پزشکی. در واقع ما در جهان اسلام با یک رویکرد دینی به کل علوم (حتی علوم تجربی) مواجهیم و دانشمندان خود را خارج از نگاه دینی و الهی به عالم لحاظ نمی‌کنند؛ مثلاً در اثنای بحث پزشکی صحبت از قدرت خدا و حکمت خدا به میان می‌آید (ابن‌سینا، ۱۴۲۶: ۳۷/۱) یا اینکه اندیشمندان کتاب خود را با حمد و ثنای الهی آغاز می‌کردند (اخوینی، ۱۳۷۱: ۱۳).

۲-۵. برگرفته از آیات قرآن، احادیث، اسامی پادشاهان، شهرها و ...

برخی عناوین مسمی به کلمات قرآنی (القسطاس المستقیم، مفاتیح الغیب، هادی المضلین، نجم الثاقب)، برخی به اعتبار شهر (اللمعة الدمشقية فی فقه الإمامية، الفتوحات المکیه، شب‌های پیشاور)

و برخی به نام پادشاهان (جامع عباسی، الرسالة السعدیة، دانشنامه علائی، حفظ الصحة ناصری، کفایه منصور، ذخیره خوارزمشاهی، خفی علائی، اخلاق ناصری) است.

استفاده از کلمات قرآنی برای عناوین کتب، حاکی از محوریت قرآن برای اندیشمندان اسلامی بوده است. اندیشمندان در ابتدای کتاب‌ها (حتی کتاب‌های طبی و طبیعی) غالباً با آیاتی از قرآن، حمد و ثنای خدا و انبیای عظام بحث را آغاز می‌کردند. همچنین استفاده از نام شهرها در عناوین بدین سبب بوده که کتاب در آن شهر تألیف شده^۱ یا در آن شهر کشف یا توفیقی حاصل شده است.

سرّ نام‌گذاری برخی کتاب‌ها به نام پادشاهان یا این بوده که آن پادشاه علم‌دوست و حامی علما بوده است و علما از باب قدردانی، کتابی را به اسم او تألیف می‌کردند یا اینکه علما هم برای گذران زندگی و هم برای تکثیر نسخ کتاب‌های خود نیاز به حمایت مالی پادشاه داشته‌اند و این راهی بوده که اسباب حمایت مالی و معنوی پادشاهان را فراهم کنند.

۲-۶. شرح و تعلیقه

برخی از کتاب‌ها شرح و تعلیقه بر کتاب دانشمند دیگری اند که غالباً در علمی مرجعیت داشته است. عنوان برخی از کتب با لفظ «شرح» شروع شده است؛ مانند شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، أنوار الملکوت فی شرح الیاقوت، شرح الموافق، شرح الاسباب والعلامات، شرح الموجز، شرح الاشارات والتنبیها. برخی نیز تعلیقه‌اند؛ مانند التعلیقه علی اصول الکافی، التعلیقات علی الشواهد الربوبیه، التعلیقات علی مفاتیح الغیب. تعلیقات غالباً مختصر بوده‌اند و در حواشی متن اصلی نوشته می‌شدند و در چاپ امروزی نیز در پاورقی متن اصلی یا بعد از متن اصلی ذکر می‌شوند؛ مانند تعلیقه ملاصدرا بر شفا، تعلیقه علامه طباطبایی، ملا علی نوری، ملا اسماعیل اصفهانی و حکیم سبزواری بر اسفار.

شرح و تعلیقه‌نویسی غالباً برای فهم بهتر مخاطب از متن بوده است؛ هرچند مواردی نیز یافت می‌شود که شارح مقید به شرح صرف نبوده، بلکه در شرح، دیدگاه خود را بیان یا انتقاداتی نیز به مصنف وارد می‌کرده است؛ مانند شرح اشارات فخر رازی، یا شرح العرشیه شیخ احمد احسانی که هر دو در واقع بیشتر انتقاد به دیدگاه مصنف است نه شرح متن. این‌گونه شرح‌نویسی بیانگر نوعی آزاداندیشی در عرصه علم در بین اندیشمندان اسلامی بوده است؛ زیرا بدون هیچ‌گونه تعصبی دیدگاه مصنف را نقد و دیدگاه خاص خود را درمورد موضوع بیان می‌کردند.

۱. شهید ثانی درمورد علت نامگذاری کتاب اللعة الدمشقیه می‌گوید: لأنه صنفها بها فی بعض أوقات إقامته بها (عاملی، ۱۴۱۰: ۲۳۷/۱).

۳. جهان‌بینی عناوین مکتوبات دانشمندان اسلامی

در این بخش به مهم‌ترین مبانی جهان‌بینی حاکم بر عناوین کتاب‌های اندیشمندان اسلامی پرداخته می‌شود.

۳-۱. امکان کشف واقعیات جهان

یکی از مبانی حاکم بر تفکر اندیشمندان اسلامی که از عناوین کتب آن‌ها قابل استنباط است، «امکان کشف واقعیات» عالم است. وقتی دانشمندی از مفاتیح، مسالک و منهج برای رسیدن به واقعیات جهان سخن می‌گوید لازمه‌اش این پیش‌فرض است که واقعیات جهان را می‌توان کشف کرد. فلاسفه اسلامی نیز کمال نفس را این می‌دانند که نفس عالم عقلی شود، شبیه به عالم عینی (ملاصدرا، ۱۳۶۳: ۱۱۵)؛ یعنی نفس انسانی می‌تواند حقایق عالم را بشناسد و واقعیات بیرونی را در درون خود بیابد.

به تعبیر دیگر، نگاه رئالیستی به جهان از پیش‌فرض‌های عناوین کتب دانشمندان جهان اسلام است. عناوین کتاب‌هایی مانند مفاتیح الغیب، کشف الحقائق، کشف الیقین، مفتاح الطب و منهج الطلاب، حقائق أسرار الطب، و کشف الرموز بیانگر آن است که واقعیتی هست، واقعیت قابل شناخت است و حقایق قابل انتقال به غیرند. این نگاه مقابل رویکرد شک‌گرایانه به واقعیت است که در دوره سوفسطائیان و دوران جدید مطرح بوده است. شکاکان یا واقعیت را قبول نداشته‌اند یا اگر واقعیتی را می‌پذیرفته‌اند در امکان شناخت آن توسط قوای ادراکی انسان مردّد بوده‌اند.

۳-۲. اعتقاد به غیب

غیب چیزی است که از انسان غایب است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶۵۴/۱) و در مقابل آن شهادت است که به معنای حضور است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۲۹۰/۷). اندیشمندان اسلامی بر اساس تعقل و آموزه‌های دینی، علاوه بر جهان محسوس به جهان غیب نیز اعتقاد راسخ داشته‌اند. این عقاید در عناوین کتاب‌های آن‌ها نیز دیده می‌شود: فتوح الغیب، شق الجیب بعلم الغیب، مفتاح الغیب (مصباح الأُنس)، السوانح الغیبیة، الفواتح الإلهیة و المفاتیح الغیبیة، مفاتیح الغیب. این اعتقاد مقابل نگاه ماتریالیستی به عالم است که جهان را صرفاً عالم ماده می‌پندارد و اعتقاد به امور غیبی را خرافه می‌داند. با مشاهده عناوین کتب اندیشمندان اسلامی هرگونه حس‌گرایی و تفکر پوزیتیویستی نیز نفی می‌شود. پوزیتیویست‌ها معتقدند تنها اموری معنادارند که قابل تجربه حسی باشند و امور غیبی بی‌معنا هستند.

۳-۳. اسرارآمیز بودن جهان

بر اساس جهان‌بینی علمای اسلامی، عالم دارای اسراری است که باید کشف شوند و علوم مختلف روزه‌های کشف آن اسرارند. کشف یعنی پرده برداشتن از حقیقتی که پنهان مانده است. یکی از



جهانبینی و مبانی فلسفی حاکم بر عناوین کتاب‌های دانشمندان اسلامی

نتایج این رویکرد اعتقاد به «واقع‌نمایی علوم» است؛ به این معنا که فارغ از اینکه ما بتوانیم حقیقتی را کشف کنیم یا نکنیم، حقیقت وجود دارد و علوم در تلاش برای رسیدن به آن حقیقت و پرده برداشتن از حجاب‌های آن است. عناوین کتاب‌های زیر حاکی از این رویکرد به هستی است: کشف الاسرار، کشف المحجبه، کشف المراد، مفاتیح الغیب، کشف الغمة فی معرفة الائمة^ع، کشف الیقین، کشف الریبة فی أحكام الغیبة، الطراز لأسرار البلاغة و علوم حقائق الإعجاز، کشف الأسرار المخفیة فی علم الأجرام السماویة و الرقوم الحرفیة، سرّ الخلیقة و صنعة الطبیعة (کتاب العلل)، حقائق أسرار الطب، اسرار الاطباء یا مجربات ایلات چغتایی، اسرار الحکم، اسرار الآیات، کشف المحجوب، کشف الاسرار و عدة الابرار، کتاب السرّ فی انفس الصوفیة، تهذیب الاسرار فی اصول التصوف، کنز الاسرار، اسرار القلوب، جامع الاسرار، مشاهده الاسرار القدسیة، أسرار العبادات و حقیقة الصلوة.

با مشاهده این عناوین می‌توان دریافت که اندیشمندان اسلامی علوم حصولی را در شناسایی اسرار عالم مؤثر می‌دانستند. بنابراین نظریه‌ای که معتقد است راه شناخت اسرار عالم صرفاً تهذیب نفس و ریاضت و سیر انفسی است پذیرفته نمی‌شود. مقام علم حضوری از علم حصولی بالاتر است و اسراری که از طریق علم حضوری یافت می‌شود بالاتر از اسراری است که از طریق علم حصولی یافت می‌شود، ولی نمی‌توان راه دستیابی به اسرار عالم را به علم حضوری منحصر کرد. عناوین کتاب‌های اندیشمندان اسلامی گویای این است که از طریق علم حصولی نیز می‌توان به اسرار عالم پی برد.

۳-۴. نیاز انسان به ارشاد

برخی عناوین کتاب‌های دوره اسلامی بیانگر آن است که انسان به خودی خود نمی‌تواند راه مستقیم را بییماید و در این راه به مرشد و راهنمایی نیاز دارد؛ به همین سبب کتاب‌هایی با همین عنوان نگاشته شده است؛ مانند المرشد إلى التوحید، المنتقد من التقليد، المرشد إلى سبیل التعبد، مرشد الأمة إلى حب الأئمة، مرشد الإخوان إلى تجوید القرآن، مرشد الخواص، مرشد الدلائل، مرشد الراشدین، مرشد الزائر، مرشد السالکین، مرشد الطالب، مرشد الطلاب، مرشد العابدین، مرشد العباد، مرشد العشاق، مرشد العقول إلى علم الأصول، مرشد العوام.

در واقع بحث از مرشد همان‌گونه که در سیر انفسی، عرفان، تهذیب نفس و منازل سلوک مطرح است، در سیر آفاقی، علوم حصولی، تعلیم و تعلم نیز مهم تلقی می‌شود. عناوین کتاب‌ها حاکی از آن است که کتاب و مطالب نهفته در آن می‌تواند مرشدی باشد که انسان را به منزلگه مقصود برساند. البته هر کتابی مرشد به سوی مقصد خاصی است.

۳-۵. نیاز به مصباح در هدایت

مصباح چراغی است که در درون شیشه‌ای قرار دارد و سوخت آن از روغن است و در عین حال که خود روشن است، اطراف خود را نیز روشن می‌کند. «مصباح» را به این علت مصباح می‌گویند که شب تاریک را با نور خود صبح می‌کند (قرشی بنایی، ۱۴۱۲ق: ۴/۱۰۵). مطابق تفکر اندیشمندان اسلامی انسان برای نورانی کردن راه به نور و مصباحی نیاز دارد و این در عناوین کتاب‌های ایشان جلوه‌گر شده است: مصباح الشریعة، مصباح المتهدجد، المصباح فی مکاشفة بعث الأرواح، مصباح الأنس، مصباح الظلام فی المستغیثین، مصباح الهدایة و مفتاح الکفایة، مصباح الأنس بین المعقول و المشهود، مصباح الأرواح، مصباح الهدایة إلى الخلافة و الولاية.

۳-۶. مراتب مخاطبان در فهم حقیقت

در احادیث اسلامی تأکید فراوانی شده است که باید با هر کس طبق فهم و ظرفیت وجودی او صحبت کرد: «انا معاشر الانبیاء امرنا ان نکلم الناس علی قدر عقولهم» (کلینی، ۱۳۶۵: ۲۳/۱) و از سوی دیگر حکمت را نباید به غیر اهل آن سپرد، همان‌گونه که نباید از اهل آن دریغ کرد: «لَا تُحَدِّثُوا الْجُهَّالَ بِالْحِكْمَةِ فَتُظْلِمُوها وَلَا تَمْنَعُوها أَهْلِها فَتُظْلِمُوهم» (همان: ۴۲). دانشمندان اسلامی با توجه به این تأکدها، به تفاوت افراد در فهم حقیقت و نیل به مقصود توجه تام داشتند. بنابراین برخی از آثار خود را بر اساس مراتب افراد طبقه‌بندی می‌کردند و در مواردی در مقدمه کتاب برای مطالعه آن شروطی می‌گذاشتند یا سفارش می‌کردند کتاب را به غیر اهلش نسیارند (سهروردی، ۱۳۷۳: ۱۲؛ ابن‌سینا، ۱۳۷۵: ۱۶۱).

عناوین کتاب‌های دانشمندان اسلامی بیانگر آن است که برخی خواب‌اند و نیاز دارند که آنان را بیدار کنند (ایفاظ النائین)، برخی مسافرنند و نیاز به توشه دارند (زاد المسافر) برخی نیازمند کلیدهایی‌اند که باب غیب را بگشایند (مفاتیح الغیب)، برخی گرفتار بت‌های جاهلیت‌اند که باید شکسته شوند (کسر اصنام الجاهلیه)، برخی نیاز به چراغ دارند (مصباح الهدایه)، برخی رونده‌اند و باید منازل سلوک را طی کنند (منازل السائرین الی الحق المبین)، با برخی باید احتجاج کرد (الاحتجاج)، برخی نیاز به اثبات دارند (اثبات الهداه، اثبات النبوت، اثبات الوصیه) برخی نیاز به ارشاد دارند (ارشاد الطالبین الی نهج المسترشدین، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد) به برخی باید اسرار را گفت (اسرار الآیات، اسرار التوحید، اسرار الحکم) باید شبهات برخی را رد کرد (دفع الشبهه التشبیه، دفع شبه من شبه و تمرد، الرد علی الجهمیه، الرد علی الوهاییه، الرد الجمیل، الرد علی الفتوی) و ... همه این‌ها بیانگر این است که رهروان حقیقت، استعداد وجودی یکسانی ندارند و باید در آموختن علم به آن‌ها این تفاوت‌ها را در نظر گرفت.



۷-۳. نور بودن علم

مطابق اندیشه دانشمندان اسلامی در مسیر حرکت انسان به سوی مقصد ظلمات وجود دارد و برای حرکت در این مسیر به نور و روشنائی نیاز است. مطابق این عقیده علوم از سنخ نورند (سبزواری، ۱۳۸۳: ۴۹۵)؛ زیرا صفحه نفس را از ظلمات جهل پاک و به حقایق روشن می‌کنند. انسان سالک نیز برای طی طریق به نور نیاز دارد. عناوین کتاب‌های دوره اسلامی این مطلب را بیان می‌کند که این کتاب‌ها به مثابه نوری‌اند که راه را به انسان نشان می‌دهند: شرح مطالع الانوار فی المنطق، نور العیون و جامع الفنون، الأنوار فی مولد النبی محمدﷺ، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، مرقاة الأسرار و معراج الأنوار (الأربعینیات)، الأنوار الساطعة فی شرح الزيارة الجامعة، مشارق انوار الیقین فی حقائق اسرار امیر المؤمنینؑ.

اعتقاد به نور و ظلمت در بین اندیشمندان اسلامی امری پذیرفته شده است. شاید بتوان گفت اصل این اعتقاد از قرآن گرفته شده که در آیات متعدد آن از نور و ظلمت سخن به میان آمده است. همچنین در مورد خدا واژه نور به کار برده شده است: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (نور: ۳۵). علم هم نوری است که انسان را به نور الانوار که حق تعالی است، متصل می‌کند.

۸-۳. تبصره بودن علم

در قوس صعود برای طی مسیر سیر و سلوک همواره ابهامات و ظلماتی وجود دارد که نیاز به رفع آن است تا نسبت به راه بصیر شویم. علوم در واقع دریچه‌ای به سوی این بصیرت است. علم باید انسان را به حقیقت بینا و بصیر گرداند و کجی‌ها و حجاب‌ها را برای انسان واضح و آشکار کند تا انسان در مهلکات و ظلمات دنیا غرق نشود. کتب زیادی در دوره اسلامی به این نام مزین شده‌اند: تبصرة الأصول و تذکرة الفحول، تبصرة الإیمان، التبصرة الجلیة و التذکرة الحسامیة، تبصرة الحر فی تحقیق الکر، تبصرة الزائر و کشف السرائر، تبصرة الطالبین فی شرح نهج المسترشدین، تبصرة العارف و نقد الزائف، تبصرة العقلاء، تبصرة الزائر، تبصرة العوام و معرفة مقالات الأنام، تبصرة السائل، تبصرة الشعراء، تبصرة الفراء، تبصرة المبتدئین، تبصرة المتعلمین، تبصرة المجتهدین، تبصرة المستبصرین، تبصرة المؤمنین، تبصرة المهتدین، تبصرة الناظرین، بصائر الدرجات.

در برخی از عناوین از واژه تبیان استفاده شده است. تبیان مصدری است که بر مبالغه و شدت تأکید دارد و در آن کمال انکشاف از مجهولات نهفته است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳۶۷/۱). در قرآن «تبیان» و مشتقات آن به کار رفته است و این کلمات ملهم از قرآن‌اند. برخی از کتب دوره اسلامی نیز با این اسامی نام‌گذاری شده‌اند؛ مانند التبیان، التبیان فی أحوال البلدان، التبیان فی تفسیر القرآن، تبیان الأحوال تبیان أصل، تبیان انحراف صاحب الکشاف، تبیان أهل الضلالة، تبیان اللغة، تبیان المسالك.

۳-۹. عین بودن علم

عین به معنای چشم و چشمه (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۲۷۸/۴) در عناوین کتب به دو معنا به کار رفته است: الف) چشمه‌هایی که خود به خود می‌جوشند و زمین دل را از آب حیات خود لبریز می‌کنند. در این مفهوم علم همانند چشمه‌ای است که با جوشش خود جهالت‌ها را برطرف می‌کند؛ ب) چشم که در انسان وسیله کشف حقایق و وصول به واقعیت است. این عضو نقش عظیمی در وصول انسان به واقعیت دارد، همان‌گونه که فقدان آن در محجوب شدن برخی از حقایق از انسان نقش مهمی دارد. کتبی مانند عین الحیة در مبانی طب و مفردات، عیون الحکم و المواعظ در حدیث، عیون الأخبار در غذاشناسی، و حکمت العین در فلسفه نشان می‌دهد که علم همانند چشمه‌ای است که خود به خود می‌جوشد. برخی از عناوینی که با عین ساخته شده‌اند عبارت‌اند از: عین الإحسان، عین الأصول، عین الأفاضل، العین الباصرة فی شرح التبصرة، عین الیقین فی أصول الدین، العینة، عیون الأحادیث، عیون الأسرار المکتونة، عیون الأصول، عیون البلاغة، عیون التفاسیر، عیون الحساب، عیون الحقائق لناظرة، عیون الحکم، العیون العبری فی مقتل سید الشهداء، عیون الفوائد وزین القلائد، عیون اللآلی، عیون المحاسن، عیون المسائل الخلاقية، عیون المعجزات، العیون و الأنهار، العیون و المحاسن، عیون الوصول إلى علم الأصول.

۳-۱۰. تذکری بودن علم

گفته‌اند ریشه واژه انسان از «نسیان» است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۱/۶). چون انسان در حیات دنیا، در مسیر حرکت به سوی کمال، عهد خود را با حق فراموش می‌کند، دائماً به تذکر و یادآوری نیاز دارد. ذکر در مقابل غفلت و نسیان است و تذکر به معنای تذکر آن چیزی است که فراموش شده است (مصطفوی، ۱۳۶۸: ۳/۳۱۸). همچنین ذکر را یاد کردن می‌گویند؛ خواه به زبان باشد یا با قلب (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق: ۱/۳۲۸). تذکره هم به معنی پند دادن و چیزی را به یاد کسی آوردن است (قرشی، ۱۴۱۲ق: ۱۵/۴). یک علم باید نقش متذکر را برای انسان داشته باشد و همواره انسان را متذکر عهدی کند که با خدای خود بسته است. اهمیت ذکر به قدری است که قرآن خود را ذکر معرفی می‌کند. در قرآن ذکر و مشتقات آن بسیار آمده است؛ مانند تذکیری بآیات الله (یونس: ۷۱)، ذکر الله (زمر: ۲۲). همچنین یکی از اسمای قرآن ذکر است: ان هو الا ذکر و قرآن مبین (یونس: ۶۹). محوریت کلمه ذکر و مشتقات آن در قرآن و بار ارزشی آن باعث شده است حکیمان مسلمان آن را در نام‌گذاری کتب خود محور قرار دهند. عناوینی چون تذکرة أولى الألباب، تذکرة العلاج، تذکرة فی الطب و الحکمة، تذکرة الکحالیین، تذکرة الاولیا، ذکری أولى الألباب، ذکری الجمهور بالفوز یوم النشور، ذکری ذوی النهی فی



حرمة خلق اللّٰحی، ذکرى الشیعة فى أحكام الشریعة، ذکرى الصوفیة، گویای نگاه ذکرگونه حکما به علم است.

۴. نتیجه

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت عالم از دید اندیشمندان اسلامی ذوب‌تون و کشف‌شدنی است و ویژگی‌هایی دارد؛ از جمله اینکه اسراری دارد که باید کشف شوند؛ فقل‌هایی دارد که باید باز شوند و مخزن‌هایی که باید آشکار شوند. در واقع ما با یک ساحت غیبی مواجهیم که انوار و جذوات و لمعات و لمحات از آن ظهور می‌یابد و برای ما قابل مشاهده و دسترسی است. انسان برای طی کردن مسیر تعالی به مصابیح و مناہج و راهنمایی‌هایی نیاز دارد تا این منازل طی شود و عروج صعود گیرد؛ چنان‌که به هدایت و نبراس و زاد و توشه نیاز دارد. انسان‌ها در طی این مسیر ممکن است دچار بیماری روحی و انحراف شوند و به شفا و ایقاظ و هادی نیاز پیدا کنند؛ بنابراین، دید کاملاً الهی بر نام‌گذاری کتب اسلامی غلبه دارد. این نگاه ناشی از نفوذ فرهنگ قرآنی و اسلامی در مباحث علمی است و به همین دلیل مقدمه اکثر کتب دوره اسلامی با مدح حق تعالی و ائمه و اولیای دین شروع می‌شود. عناوین کتب دوره اسلامی بیانگر مبانی اعتقادی آنان است. با مروری بر این عناوین درمی‌یابیم که اندیشمندان اسلامی جهان را به‌صورت گنجی می‌دانسته‌اند که باید شناخته شود. علوم گوناگون کلیدهایی‌اند که این کنز مخفی را می‌شناسانند. رویکرد الهی به هستی از دیگر عناصر غالب بر تفکر اندیشمندان اسلامی است. بر اساس این دیدگاه آن‌ها علم را وسیله‌ای برای قرب به مبدأ هستی می‌دانند و عالم طبیعت را فیض الهی و تنزل‌یافته در پست‌ترین مرتبه هستی تلقی می‌کنند و این عالم را مبدأ می‌دانند برای صعود و تکامل انسان. همچنین علم از دید آنان وسیله کشف اسرار عالم است، نه وسیله‌ای برای سیطره و غلبه بر جهان.

منابع

۱. ابن سینا (۱۳۶۴)، رساله اضحویه، تصحیح حسین خدیوچم، تهران: اطلاعات.
۲. _____ (۱۳۷۵)، الاشارات و التنبیها، قم: نشر البلاغة.
۳. _____ (۱۴۲۶ق)، القانون فی الطب، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، تصحیح میردامادی، بیروت: دار صادر.
۵. اخوینی، ربیع بن احمد (۱۳۷۱)، هداية المتعلمین فی الطب، مشهد: دانشگاه مشهد.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، مفردات ألفاظ القرآن، تحقیق داوودی، صفوان عدنان، بیروت، دمشق: دار العلم.
۷. سبزواری (۱۳۸۳)، اسرار الحکم، تصحیح کریم فیضی، قم: مطبوعات دینی.
۸. سهروردی (۱۳۷۳)، حکمة الاشراف، تصحیح هانری کرین، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
۹. قرشی بنایی، علی اکبر (۱۴۱۲ق)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الاسلامیة.
۱۰. کلینی (۱۳۶۵)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامیة.
۱۱. مصطفوی، حسن (۱۳۶۸)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۲. ملاصدرا (۱۳۶۳)، مفاتیح الغیب، تصحیح محمد خواجوی، تهران: مؤسسه تحقیقات فرهنگی.